



روایتی از دیروز و امروز هیئت قاسم بن الحسن (ع)
در محله بهمن که بانی تشکیل آن، چند نوجوان بودند

آب دیده شدن در کارهای فرهنگی

کاسب محله گلشور شغلش را
با کار فرهنگی پیوند زده است

از سنگر جبهه
تا سنگر فرهنگی

۵۴



ترافیک ورودی و خروجی خیابان طبرسی جنوبی
اهالی ۲ محله را به ستوه آورده
اما مسئولان می‌گویند راه حلی وجود ندارد
گلوگاهی به نام ایستگاه بی‌آرتی

به همت اعضای پایگاه بسیج شهید محقق
دعای توسل هر هفته در منازل شهدا برگزار می‌شود
محفلی برای پیوند
نسل دیروز و امروز

۳

۷

شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۳۹۲۵۸۶۶۷ در پیام رسان ایتا بفرستید.

شما چه خبر

آگاه سازی والدین با خرید نوشت افزار

نزدیک شدن به فصل خرید لوازم تحریر و اهمیت پیام های فرهنگی منتقل شده از طریق این کالاها به نسل دانش آموز، فعالان مسجد المهدی (ع) در محله مهرگان راه هشیار کردن والدین و آداشته است. در کانال اطلاع رسانی این مسجد که حدود هزار نفر مخاطب دارد، با انتشار تصاویر قابل تأمل، مندرج روی برخی دفترها، ضمن آگاه سازی والدین از آن ها خواسته شده است به طرح ها و تصاویر روی لوازم تحریری که برای فرزندان خود می خرند، توجه دوچندان داشته باشند.



بازارچه ای برای بانوان قرقی

فرزانه شهامت کتاب نو دست دوم، لوازم پلاستیکی آشپزخانه، حوله های دست باف، ادویه، لباس، خیارشور و مواد شوینده تنها تعدادی از اقلامی است که در بازارچه ماهیانه بانوان محله قرقی عرضه می شود. این بازارچه محلی که از زمستان پارسال، شکل جدی تری به خود گرفته است، پایان هر ماه در محل زینبیه قرقی واقع در کشمیری ۳ برپا می شود. علاوه بر این بازار ماهیانه، برنامه فروش مجازی نیز در گروهی متشکل از حدود هفتصد نفر از اهالی محله برقرار است و بانوانی که محصولی برای ارائه دارند، روزهای شنبه و سه شنبه، اجناس خود را برای نمایش در این گروه قرار می دهند. رویداد اقتصادی یاد شده، حاصل ایده ای است که از سوی پایگاه بسیج خواهران حضرت فاطمه (س) ارائه و اجرایی شده است.

«حرف دل با گل» در میقات الرضا (ع)

فاطمه ارضی، هنرمند خوش نویس و رئیس شورای اجتماعی محله سپس آباد، امسال با ابتکار خود توانست خاطره ای ماندگار در ذهن زائران پیاده امام رضا (ع) به جای بگذارد. او امسال در دهه پایانی ماه صفر، یکی از شرکت کنندگان در نمایشگاهی هنری در محل میقات الرضا (ع) واقع در جاده قدیم نیشابور بود که در آن روایت هایی از عاشورا و یادمان شهدای دفاع مقدس به تصویر کشیده شد. بخش ویژه ای که فاطمه ارضی در آن فعال بود، عنوان «حرف دل با گل»، را داشت و در آن، عشق و ارادت زائران در قالب عباراتی کوتاه، با خطی خوش روی لباس آن ها درج می شد. بازدید بیش از سیصد نفر از این رویداد هنری، تنها در یک روز، اقبال به آن را نشان می داد.

«رؤیای مادری» دل مادران را شاد کرد

کانون «رؤیای مادری» در محله طبرسی شمالی به مناسبت شروع ماه ربیع الاول با کمک خیران، یک رأس گوسفند قربانی کرد. گوشت ها بین مادران باردار و شیرده توزیع شد تا قوای جسمانی مادران و فرزندان شان تقویت شود. مسئولان کانون می گویند با این اقدام، به دنبال قدردانی از مادران جهادگر در مسیر فرزندآوری هستند.

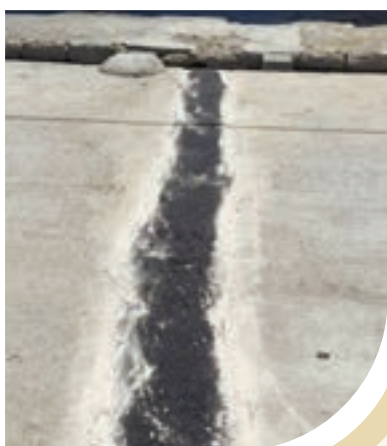


بازخورد

با پیگیری شهرآرامش مرحله انجام شد مرمت حفاری ها در بشارت ۲۷

فیضی ایس از دریافت گلايه های شهروندان مبنی بر وضعیت نامناسب خیابان بشارت ۲۷ در محله بهمن که به دلیل اجرای عملیات طرح فاضلاب (اگو)، بخشی از آن کنده کاری شده و برخی قسمت ها هنوز آسفالت نشده و در بخش هایی که آسفالت شده، به دلیل زیرسازی نامناسب، خیابان دچار نشست شده بود، موضوع را از اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۳ پیگیری کردیم.

به دنبال طرح این شکایت در هفته گذشته، اداره مذکور، موضوع را پیگیری و شرکت آب و فاضلاب مشهد از طریق پیمانکار مربوطه، برای بهسازی و رفع مشکلات شهروندان خیابان بشارت ۲۷ اقدام کرد.



زمین ورزشی مهر مادر ۱۷ آماده بازی بچه ها

زمین ورزشی در انتهای خیابان مهر مادر ۱۷ با مساحت ۱۶۰۰ مترمربع تکمیل شده و آماده بهره برداری است. این مجموعه شامل چمن مصنوعی مینی فوتبال، رختکن، سرویس بهداشتی و نورپردازی است. پروژه با اعتبار ۴۰ میلیارد ریال اجرا شده و هم اکنون برای استفاده شهروندان آماده است.

طبقه چهارم ساختمان غیرمجاز قلع شد

اسکلت طبقه چهارم یک ساختمان غیرمجاز به مساحت صد مترمربع در خیابان المهدی در محله خیرآباد، با دستور مقام قضایی برش داده شد. این اقدام براساس مراحل قانونی انجام شده است. شهروندان پیش از هر معامله ملکی، لازم است از وضعیت قانونی ملک استعلام کنند تا از مشکلات بعدی جلوگیری شود.

آسفالت نو، تردد روان

کوچه شهید قربانی در خیابان بهمن ۱۶ با مساحت بیش از ۹ هزار مترمربع روکش آسفالت شد. این عملیات با همکاری سازمان عمران و با مصرف بیش از هزار تن آسفالت انجام گرفت. با تکمیل این پروژه، خیابان روان تر و آماده تردد شهروندان است.



شهر خبر

●○ مطالبه‌ای که بی‌پاسخ مانده است

مجید پور قربان، رئیس شورای اجتماعی محله فجر، نیز همه صحبت‌های جواد بابایی را تأیید می‌کند و می‌گوید: حدود صد متر از خیابان کم‌عرض شده و همین باریک شدن مسیر، دلیل اصلی ترافیک‌های پی‌درپی است؛ از طرفی در همین محدوده، برخی رانندگان با وجود تابلو توقف ممنوع، خودروهای خود را پارک کرده و بار ترافیکی را دوچندان می‌کنند. او به تجربه سال گذشته اشاره می‌کند: در نشست‌هایی که همراه رؤسای شورای اجتماعی محلات با شهردار مشهد داشتیم، این موضوع را مطرح کردم. همان جادستور رسیدگی فوری به سازمان اتوبوس‌رانی صادر شد. اما در عمل هیچ اتفاقی نیفتاد.

پور قربان معتقد است بی‌توجهی به این مسئله، گلايه‌های مردم را بیشتر و حالا اهالی را کلافه کرده است. او ادامه می‌دهد: امیدوارم با ورود شهرآرآرماحله به این ماجرا، مسئولان این بار به طور جدی پای کار بیایند و شاهد رفع یک مشکل چندین ساله باشیم.

●○ امکان جابه‌جایی ایستگاه‌های اتوبوس وجود ندارد

بامدیر روابط عمومی سازمان اتوبوس‌رانی مشهد، درباره مشکلات مربوط به ایستگاه‌های اتوبوس در میدان فجر گفت و گو کردیم. به گفته عباس اتحادی، مکان‌یابی ایستگاه‌های اتوبوس در شهر مشهد بر اساس مصوبه شورای عالی ترافیک کشور و با نظارت سازمان ترافیک و پلیس راهور انجام می‌شود. به همین دلیل، حتی محل دقیق ایستگاه‌ها نیز دارای پشتوانه مصوب و کارشناسی است. وی افزود: ایستگاه‌ها در تقاطع‌ها پیش و پس از چهارراه‌ها جانمایی می‌شوند تا بار ترافیکی مدیریت شود. اما در میدان فجر، نخستین ایستگاه طبرسی جنوبی به دلیل نبود تقاطع، روبه‌روی ایستگاه دیگر قرار گرفته است.

اتحادی با اشاره به اینکه اختلاف ایجاد شده حدود دو متر در عرض خیابان است و در محدوده حریم معبر قرار دارد، تأکید کرد: امکان جابه‌جایی ایستگاه وجود ندارد؛ زیرا کوچک‌ترین تغییر در جانمایی، به افزایش حدود صد متر پیاده‌روی شهروندان منجر می‌شود و به ویژه سالمندان و افراد توان‌یاب با این تغییرات دچار مشکل خواهند شد و اعتراض شهروندان را در پی خواهد داشت.

مدیر روابط عمومی سازمان اتوبوس‌رانی تصریح کرد: جانمایی ایستگاه‌ها با اولویت مسافران سیستم حمل و نقل عمومی انجام شده است و شورای عالی ترافیک علاوه بر این موضوع، جریان کلی ترافیک خودروها و سایر پارامترهای شهری را نیز برای تصمیم‌گیری در نظر می‌گیرد.



●○ گره ترافیک از پل فجر تا چهارراه نبوت

بار ترافیکی خیابان طبرسی جنوبی گاهی آن قدر سنگین می‌شود که تا زیرگذر پل فجر هم امتداد پیدا می‌کند. در سمت دیگر هم خودروها هنگام خروج از این خیابان تا چهارراه نبوت با صفی طولانی مواجه‌اند. این محدوده درست در مرز محله‌های رسالت و فجر قرار گرفته است و به همین دلیل پای گفت‌وگو با دو رئیس شورای اجتماعی این محله‌ها نشستیم. جواد بابایی، رئیس شورای اجتماعی محله رسالت، می‌گوید: از همان ابتدای ایجاد مسیر بی‌آرتی، مخالف سرسخت آن بودیم و هنوز هم هستیم. از ایستگاه نبوت تا پل یا پانه امام رضا (ع) همه ایستگاه‌های رفت و برگشت با فاصله پنجاه تا صد متر جانمایی شده است. اما ایستگاه رفت و برگشت پل فجر درست مقابل هم قرار دارد. همین جانمایی باعث شده است عرض خیابان کاهش پیدا کند و همیشه ترافیک باشد. او ادامه می‌دهد: بارها با مسئولان مختلف مکاتبه کرده‌ایم. حتی در نشست‌های مردمی که در مساجد محله با حضور مسئولان برگزار شده است، موضوع را مطرح کرده‌ایم اما پاسخ روشنی نداده‌اند. اهالی هم از این وضعیت کلافه‌اند و خواستار رفع فوری مشکل هستند.

ترافیک ورودی و خروجی خیابان طبرسی جنوبی اهالی ۲ محله را به ستوه آورده اما مسئولان می‌گویند راه حلی وجود ندارد

گلوگاهی به نام ایستگاه بی‌آرتی

محمدرضا فیضی | خیابان طبرسی جنوبی برای خیلی از زائران و مجاوران، کوتاه‌ترین راه رسیدن به حرم امام رضا (ع) است. اما این خیابان پررفت و آمد بیشتر ساعت‌های شبانه‌روز شلوغ است. در ورودی و خروجی خیابان، ترافیک گره می‌خورد و ماشین‌ها دانه‌دانه پیش می‌روند. مردم می‌گویند ریشه ماجرا به دو ایستگاه اتوبوس برمی‌گردد که علاوه بر مسیر بی‌آرتی، بخشی از عرض خیابان را هم اشغال کرده‌اند. راننده‌ها در این مسیر کوتاه کلافه می‌شوند و عابران هم از ازدحام گله دارند. این مشکل کوچک اما همیشگی حالتبدیل به یک دل‌نگرانی عمومی شده و صدای گلايه شهروندان را بلند کرده است.

هم قدم

۴

خدا حافظی با ۷۸ انبار ضایعات

از ابتدای امسال تاکنون، شهرداری منطقه ۴ مشهد اقدام به پلمب و جمع‌آوری ۷۸ انبار و منزل مسکونی کرده است که به محل نگهداری ضایعات تبدیل شده بودند. تنها در تیرماه ۳۱ انبار شناسایی و جمع‌آوری شد. هدف این اقدام، بهبود چهره شهر، ارتقای بهداشت محیط و کاهش مزاحمت‌ها و آلودگی‌های شهری است.

آبیاری زیرزمینی با هدف صرفه‌جویی

شهرداری منطقه ۴ طرح آبیاری زیرسطحی را در بوستان‌های منطقه آغاز کرده است. در این روش، آب مستقیم به ریشه درختان منتقل می‌شود و از هدررفت جلوگیری خواهد شد. این اقدام ضمن صرفه‌جویی در مصرف آب، موجب رشد بهتر درختان و کاهش علف‌های هرز می‌شود. هم‌اکنون این طرح در بوستان بسیج و بوستان نرگس در حال اجراست.

پروژه کانال عسکریه در نیمه راه

عملیات احداث کانال از میدان عسکریه تا بابانظر ۲۷ به حدود ۴۲ درصد پیشرفت فیزیکی رسیده است. این کانال به طول ۱۷۵۰ متر و با اعتباری بالغ بر ۴۱ میلیارد تومان در حال اجراست. اجرای این پروژه، نقش مهمی در مدیریت آب‌های سطحی و افزایش ایمنی محلات، به ویژه در محدوده میدان عسکریه و خیابان‌های اطراف، خواهد داشت.



شهر خبر

۴

نوجوانان کلاس روخوانی قرآن، مهمان استخر شهید قربانی شدند

هدیه متفاوت برای بچه‌های قرآنی مسجد سلمان

شهادت اسه شنبه گذشته، نوجوانان محله پنجتن که تابستان

امسال در کلاس سطح یک روخوانی قرآن کریم مسجد سلمان فارسی شرکت کرده بودند، هدیه‌ای شاد و متفاوت دریافت کردند و راهی استخر شهید قربانی شدند. این انتخاب بر اساس موفقیت آنان در آزمون پایانی دوره انجام شد؛ آزمونی که از سوی مربی کلاس برگزار شده بود. حجت الاسلام علی صفرپور، امام جماعت مسجد سلمان فارسی، با اشاره به اهمیت ایجاد انگیزه در نوجوانان گفت: هزینه این اردوی ورزشی و مفرح با مشارکت مدیریت استخر شهید قربانی و خیران مسجدی تأمین شده است. وی افزود: چنین برنامه‌هایی علاوه بر ایجاد نشاط، پیوندی شیرین میان فعالیت‌های قرآنی و اوقات فراغت نوجوانان برقرار می‌کند.



کاسب محله گلشور شغلش را با کار فرهنگی پیوند زده است

از سنگر جبهه تا سنگر فرهنگی

۴

داستان جلد

سکینه تاجی «کُلُّکُم رَاعٍ وَ کُلُّکُم مَسْئُولٌ». این حدیث معروف، خط مشی زندگی سید محمد گوهری، کاسب محله گلشور شده است؛ مردی که سال‌های نوجوانی به جبر روزگار از درس و مدرسه فاصله گرفت و نان آور شد و سال‌های جوانی را در التهاب و کشمکش جنگ گذراند و امروز در سنگر کار و تولید، همچنان بر رسالت اصلی خود استوار است: یادآوری مسئولیت همگانی و ادای دین به شهدا. کسی که امر به معروف و نهی از منکر برای مسئولان را جزو واجباتی می‌داند که امیدوار است عمل به آن‌ها ما را از زیر دین خون هزاران شهید بیرون بیاورد.

ماهمه مسئولیم

هم‌کلاسی شهید کاوه متولد نجف

می‌خواهم سر صحبت را درباره روزهای دور باز کنم، درباره سال‌های نوجوانی و جوانی. ببینم چه راهی را طی کرده تا حالا که در میانه دهه ۶۰ زندگی به چنین آرامشی در کلام و رفتار رسیده است؛ «من باشهید کاوه هم‌کلاس بودم، توی یک مدرسه در خیابان خسروی نو، یکی دو سال مانده به پیروزی انقلاب اسلامی، درس را رها کردم. روزگار، اجازه و مجال درس خواندن را از من گرفت. باید می‌رفتم سر کار، اوضاع معیشتی آن قدر سخت شده بود که با همه علاقه‌ام به درس خواندن، قید مشق و مدرسه را زدم و رفتم توی بازار کار».

دفترچه خاطرات که باز می‌شود، ورق‌ها خود به خود به عقب تر هم برمی‌گردند، روزهایی که شاید خیلی‌ها ایمان حتی در این دنیا نبوده‌ایم اما از شنیده‌های دیگران باخبر شده‌ایم از اوضاع، «وضعیت کار و معیشت پدرم در مشهد خوب نبود. اواخر دهه ۳۰ بود که پدرم راهی عراق شد تا ناوایی اش را در نجف راه بیندازد. آن سال‌ها ایرانی‌های زیادی برای کار به نجف می‌رفتند و اتفاقاً از همین مشهد، تعداد زیادی ناوا آنجا بودند. سید محمد در نجف به دنیا آمد و تاده سالگی هم آنجا بود و تا کلاس چهارم را در مدرسه ایرانی هادرش خواند. اوضاع گویی بروفق مراد بود تا آنکه دست ناپاک قدرتمندان، دوباره آرامش زندگی شان را به هم ریخت؛ «باتنش‌هایی که بین ایران و عراق اتفاق افتاد، صدام ایرانی‌های مقیم عراق را اخراج کرد. ما آواره‌وبی چیز برگشتیم مشهد، پدرم دیگر توان و سرمایه‌ای برای شروع کارش در مشهد نداشت. اصالتاً اهل فریمان بود. برگشت آنجا و در یک زمین کشاورزی مشغول به کار شد. من ماندم مشهد برای درس خواندن، اما مدتی که گذشت، دیدم باید بروم سر کار».

نشسته‌ایم گوشه فروشگاه ساده سید. نگاهی به بنرها و کاغذهایی می‌اندازم که آقا سید محمد به دیوار مغازه زده است تا نگاه مشتریان، در دقایقی که در اینجا هستند، به آن‌ها بیفتد؛ آیات و روایاتی درباره ضرورت حفظ حجاب و البته یک خبر خوب: تخفیف برای خانم‌های دارای حجاب برتر چادر؛ «هرکس به یک نحوی در کار خودش، مسئول است، براساس همان حدیث معروف کلکم راع و کلکم مسئول. تذکر و امر و نهی زبانی گاهی جواب برعکس می‌دهد. بعضی‌ها واکنش‌های بدی نشان می‌دهند، توهین می‌کنند. من با عقل خودم فکر کردم که شاید به این شکل بهتر جواب بدهد. چون این‌ها دیگر حرف من نیست، حرف حدیث و روایت است و اگر کسی اعتقاد داشته باشد، با دیدن همین‌ها هم باید تحت تأثیر قرار بگیرد».

سید محمد از واکنش‌های خوب و بد مشتریان در این مدت تعریف می‌کند و البته تأکید دارد بیشتر از نود درصد آن‌ها برایشان جالب است و تشکر می‌کنند از این حرکت فرهنگی. می‌گوید: عده بسیار کمی هم هستند که حتی حرف خدا را هم بر نمی‌تابند و رفتار ناپسندی می‌کنند. ما هم قرار نیست با کوچک‌ترین حرف مخالف، از میدان به در شویم.





قصه‌هایی که باید بچرخد بین مردم

می‌پرسم در این سال‌ها کسی بوده که تأثیر خاصی بر افکار و عقاید او گذاشته باشد؟ برمی‌گردد، از طبقه روی دیوار پشت سرش چند کتاب می‌آورد و روی میز می‌گذارد و می‌گوید: استاد من همین‌ها هستند. از همین‌ها یاد می‌گیرم. شخصیت‌های این کتاب‌ها همان‌هایی بودند که به قول امام، یک شبه ره صد ساله را طی کردند.

موضوع کتاب‌ها زندگی‌نامه شهداست. آقا سید محمد باحالی منقلب، از شهید محمد حسین یوسف الهی می‌گوید: جوانی که در سال‌های جنگ در واحد اطلاعات عملیات لشکر ۴۱ تارا...^(۴) می‌جنگید و چنان جذب روحانی و عرفانی داشت که همه تحت تأثیر اخلاق و منش او بودند.

شهیدی که وصیت حاج قاسم، به خاک سپرده شدن

در کنار او بود؛ «این کتاب‌ها را وقتی

می‌خوانم، به بچه‌ها هم می‌دهم یا به

هر کسی که علاقه‌مند باشد. اینجا نگه

نمی‌دارم. می‌گذارم کتاب‌ها دور بزنند

و قصه‌هایشان بچرخد بین مردم.»

کار فرهنگی از دیروز تا امروز

خانواده گوهری، اقوام و آشناهایی در مشهد داشتند که در کار تولید کیف فعالیت می‌کردند. سید محمد به پیشنهاد آن‌ها وارد این کار شد و خیلی زود بلد این کار و در این بازار حرفه‌ای شد. البته که باز هم جنگ، او را از زندگی معمولی بیرون کشید و با خود برد؛ از سال ۶۰ تا ۶۳ را در جبهه حضور داشت، در عملیات‌های مختلفی مانند بیت المقدس، رمضان و طریق القدس شرکت کرد و مجروحیت هم به کارنامه جنگی‌اش اضافه شد؛ «اکثر هم‌زمانم که من با آن‌ها از مشهد اعزام شدم، به شهادت رسیدند. حالای فهمیم چه کسانی را از دست داده‌ایم. چه جوان‌هایی رفتند برای امنیت و آبادانی این مملکت و حالا عده دیگری روی همین خاک، روی خون شهدا راه می‌روند.»

گوهری در جبهه هم مشغول کار فرهنگی و نمایندگی عقیدتی سیاسی گروهان بوده است. بعد از جنگ هم ارتباطش با بسیج و پایگاه‌های فرهنگی آن را قطع نکرد و کار فرهنگی را زمین نگذاشت تا امروز که به اندازه وسع و توان خودش برای ترویج حجاب و ارزش‌های آن در تلاش است.

خون شهدا ما را حفظ کرده است

از او می‌پرسم: هرکسی چطور می‌تواند در جایگاه خود، یک قدم فرهنگی برای رشد و پیشرفت این کشور بردارد؟ با قاطعیت پاسخ می‌دهد: هرکسی که در این مملکت زندگی می‌کند، به اندازه خودش مسئول است. در قبال امنیت، اقتدار، استقلال، آزادی و عزت این مملکت، مدیون است. خیلی‌ها نمی‌دانند که این نعمت‌ها را از کجا داریم. نمی‌دانند که برای همه این مواردی که گفتیم، خون هزاران شهید ریخته شده است. در حالی که الان ابر قدرت‌ها و گردن کلفت‌ها با ما دشمن هستند، هنوز عزت و اقتدار ما سر جای خودش است؛ وگرنه آن جنایتکاران حتی لحظه‌ای خودشان را برای آسیب زدن به ما معطل نمی‌کردند. این خون شهداست که ما را حفظ کرده و نگه داشته است. در آن روزگاران، شهدا از جان و زندگی‌شان گذشتند. ما حالا در سایه نشستیم، در سنگرامن خودمان. نباید حداقل حرمت خون آن‌ها را نگه داریم؟ به نظرم مادر برابر آن‌ها هیچ کاری نمی‌کنیم.

بالاسری همه‌ما خداست

سید محمد گوهری در پایان، سخنش را به سمت مسئولان نشانه می‌رود. آن‌هایی که به گفته او گاه فراموش می‌کنند مسئولان چه مملکتی هستند؛ «ما به سهم خودمان به مردم امر به معروف می‌کنیم، اما باید نهی از منکر را درباره مسئولان به کار برد. من هر روز اول صبح پیاده می‌روم سمت حرم و برمی‌گردم. در مسیر رفتگران و پاکبانان بسیاری را می‌بینم که در آن ساعت، مشغول کارند. در همین خیابان و حید که به خاطر فروشگاه‌های کیف و تولیدی و پاش و تولید زباله زیاد است، پاکبانان بسیار زحمت می‌کشند، اما با این همه زحمتی که متحمل می‌شوند، واقعا و وضع مالی خوبی ندارند.»

سید محمد در ادامه تعریف می‌کند: یک باریکی‌شان به من گفت خیلی برایش دعا کنیم. از مشکلش که پرسیدم، گفت یک بالاسری دارم که خیلی به من سخت می‌گیرد؛ بعد از شانزده سال کار تهدید می‌کند که اخراج می‌کند. این مسئولان یادشان رفته است که بالاسر همه ما خداست. کاروبار دنیایی بالاخره تمام می‌شود؛ نباید آن روزی که خدایی نکرده پیش خدا رویاه باشیم. اگر به زیر دست ذره‌ای ظلم کنی، یقین داشته باش که باید روزگاری جوابش را پس بدهی. حق که شهدا بر گردن ما دارند، نیز همین است. اگر حقشان را نشناسیم، اگر دین آن‌ها بر گردن ما بماند، می‌شود ظلم، می‌شود ستم و روزگاری باید جواب خون آن‌ها را بدهیم.



هر فرد یک قدم

یکی از خانم‌های داخل مغازه که برای خرید کیف مدرسه پسرش آمده است. همان‌طور که به اجناس نگاهی می‌اندازد، چشمش می‌خورد به نوشته‌های روی دیوار، به احادیث و روایات حجاب؛ «به نظر من، این حرکت‌های فرهنگی در جایگاه خودش بسیار خوب و شایسته قدر دانی است. همین که نشان می‌دهد یک فرد، تنها به فکر منافع مادی نیست و برای اعتقادات خود ارزش قائل است و قدمی عملی هم برای آن برمی‌دارد، بسیار حائز اهمیت است. این اقدام نشان می‌دهد که ایمان تنها در حرف نیست، بلکه در عمل فرد نمود پیدا می‌کند. اگر هرکس در هر صنف و شغلی، در حیطه کاری خودش، تنها یک قدم کوچک در مسیر ترویج ارزش‌ها بردارد، بدون شک تأثیر جمعی آن خواهد توانست فضای جامعه را از آنچه امروز شاهد آن هستیم، بسیار بهتر و سالم‌تر کند.»

مشوقی برای دختران نوجوان

مادری که به همراه دختر نوجوان خود برای خرید مراجعه کرده است، این حرکت فرهنگی را مشوقی برای دختران نوجوان می‌داند؛ «من به عنوان یک مادر، از دیدن چنین فضاهایی که در آن به موضوعات فرهنگی و دینی توجه می‌شود، بسیار خوشحال می‌شوم. به نظر من این گونه‌فضاها و این قبیل اقدامات، برای نوجوانان و دختران کم‌سن و سال، قطعاً می‌تواند یک مشوق مثبت و غیرمستقیم باشد و ممکن است در آن‌ها رغبت و تمایل اولیه به حجاب ایجاد کند. اما نباید از ضرورت کارهای عمیق‌تر غفلت کرد؛ این حرکات نمادین و محیطی، هرچند لازم و مفید هستند، برای فرهنگ‌سازی پایدار در موضوع عمیق و سرنوشت‌سازی مانند حجاب به تنهایی کافی نیست. برای تأثیرگذاری ماندگار، باید به سراغ کارهای مستدل و منطقی رفت. باید برای نسل جوان امروز که پرسشگر است، بازبان خودش و با استدلال‌های قوی و قابل درک، درباره فلسفه و ضرورت این احکام الهی صحبت کرد.»



روایتی از دیروز و امروز هیئت قاسم بن الحسن^(ع) در محله بهمن که بانی تشکیل آن، چند نوجوان بودند

آب دیده شدن در کارهای فرهنگی

● پذیرایی روزانه از ۷۰۰ زائر

خستگی یک هفته کار شبانه روزی، چیزی نیست که به این زودی ها از تن بیرون برود. رضا مولایی، سرگروه مجموعه ای پنجاه نفره از اهالی محله بهمن است که امسال در ایام شهادت امام مهربانی ها، مسئولیت میزبانی جمعیتی چشمگیر از زائران امام هشتم^(ع) را در بوستان جهان شهر برعهده داشت. او یکی از اعضای هیئت قاسم بن الحسن^(ع) است و دومین نسل از کسانی به شمار می رود که در این هیئت، تربیت شده و الفبای اظهار عشق به اهل بیت^(ع) را مشق کرده اند. متولد ۱۳۸۰ و طلبه پایه پنجم است. رضا و رفقایش با کمک دیگر اهالی محله از ۲۹ مرداد تا دوم شهریور، روزانه میزبان هفتصد زائر بودند. هر چه بیشتر از جزئیات کار می گوید، به بزرگ بودن آن، بیشتر پی می بریم: «تأمین سه وعده غذایی زائران که می شد روزی ۲ هزار و ۱۰۰ وعده، با خودمان بود. یعنی باید خودمان به دنبال جذب خیر می رفتیم. پذیرش، اسکان، انتظامات، پارکینگ، بهداشت و... را هم باید در فضای بوستان به مهمانان آقارائه می دادیم.»



● روایت باوری قلبی

او می گوید که تجربه پارسال برای پذیرایی از زائران دهه پایانی صفر در ایستگاه صلواتی جاده کلات، به اضافه برنامه هایی که بارها در محله بهمن اجرا کرده اند، امسال برای برنامه ریزی هر چه بهتر دستگیرشان شده است. وقتی از مولایی درباره نگرانی احتمالی اش از جو نشدن هزینه های پذیرایی از زوار می پرسیم، با اطمینان و آرامش، نه می گوید و ادامه می دهد: «دوستان هیئت ما، از آن چهارده پانزده ساله اش بگیر تا قدیمی ترها، به این باور رسیده اند که ما در دستگاه اهل بیت^(ع) کاره ای نیستیم و کارها را خود حضرات جور می کنند. کافی است با توکل در این راه قدم بگذاریم. درست مثل تجربه عید غدیر امسال که موجودی اولیه مان ۱۰ میلیون تومان بود فقط، در حالی که برآورد هزینه هایمان ۱۰۰ میلیون تومان شد و به لطف اهل بیت^(ع) ذره ذره جور شد.»

روی آن پارچه پهن شد. یک قابلمه بزرگ، شکر، پارچ، استکان ها و آلیمویی که از قبل، با کمک بچه ها تدارک دیده شده بود، آورده شد. اولین تجربه بود با شور و استرس فراوان: «دقیقه نود و یازده آمده بود که یخ نداریم. باید از خانه درو همسایه جور می کردیم. این تجربه، به دلمان چسبید و آن را ادامه دادیم. با برنامه هایی که رفته رفته بزرگ تر می شد، در حدی که نیمی از خیابان را با هماهنگی پلیس راهور، بلوکه بگذاریم و بندیم، شهرداری را پای کار بیاوریم، از صدا و سیما برای پوشش برنامه بیایند و...»

● دورهمی دوشنبه شب ها

نوجوانانی که حالا به جوانی پا گذاشته بودند، در این برنامه ها روز به روز آبدیده تر و همدل تر می شدند. مناسبتی تقویمی در کار بود یا نه، به دیدارهای مستمرشان لطمه ای نمی زد. دست کم هفته ای یک بار همدیگر را می دیدند و همچنان می بینند. دوشنبه شب ها در طبقه بالای مسجد امام محمد باقر^(ع) که بیت الحسن^(ع) نام دارد، دورهم جمع می شوند و برای مناسبت های پیش رو تصمیم می گیرند. نیاز به جلسه ای فوری باشد، کافه سید مرتضی می شود سالن جلسه و سی عضو ثابت هیئت، ایستاده و نشسته درباره بهترین گزینه، تصمیم می گیرند. بعد از چند سال کار فرهنگی مداوم، برخی برنامه هایشان تثبیت شده است، مثل دایر کردن جای خانه در دهه اول محرم، دهه آخر صفر، شب های قدر و فاطمیه. در کنار آن، غرفه عکاس خانه دارند و ماشین نویسی، بهداشت و سلامت، پاسخ گویی به شبهات دینی، بازی کودکان و... توزیع کیک هشت متری در شام میلاد امام مجتبی^(ع) و طبخ غذا در عید غدیر را هم باید به این فهرست اضافه کرد؛ فهرستی که دهه آخر صفر امسال، تجربه ای تازه در آن ثبت شد.

فرزانه شهامت دلشان می خواست برای اهل بیت^(ع) قدمی بردارند اما از امکانات معمول برای راه اندازی یک ایستگاه صلواتی، تقریباً هیچ کدام را نداشتند؛ نه دستگاه صوتی که صدای مداحی را به کوچه پس کوچه های محله بهمن برساند، نه پذیرایی خاصی تار هگزان را به توقف، ترغیب کند و نه حتی میز نوواری که استکان ها را روی آن بچینند. قصه این ایستگاه صلواتی و خادمانی که آن زمان، نوجوانی را سپری می کردند به دوازده سال پیش بازمی گردد؛ به روزگاری که دلشان از عشق به پیامبر^(ص) و خاندانش لبریز بود و به همین بهانه، عزم کرده بودند در یک بساط بی ریا، چند جرعه شربت را با طعم اخلاص، به اهالی محل پیشکش کنند. از آن زمان تا کنون، چشمه ارادت اعضای هیئت قاسم بن الحسن^(ع) همچنان جوشان است، با ابتکارهایی ناتمام که دامنه برنامه های هیئت را از مقابل مسجد امام محمد باقر^(ع) به دیگر مناطق شهر و حتی فراتر از حریم آن، گشانده است.

● ایده های حاج آقا گلکمانی

اینجا از همه صدای خودروهایی که با سرعت، بولوار شهید محمد زاده را طی می کنند، خبر چندانی نیست. فضای کافه سید مرتضی رضوی با عطر تلخ قهوه که در فضا جاری است، جان می دهد برای مرور خاطرات شیرین گذشته. خاطراتی



سرنوشت ساز که در ذهنش زنده اند و بی غبار، درست مثل گلدان های طبیعی که در کتابخانه کوچک کافه، کنار کتاب های «دخیل عشق»، «عصر ظهور»، «ورطه» و خیلی های دیگر جا خوش کرده اند.

او متولد ۱۳۷۱ است؛ بزرگ شده کوچه های خاکی شهرک قدس که چند سالی است با نام محله بهمن، سر زبان ها افتاده است. در حافظه دقیق سید مرتضی، نداشته های گذشته محله، پررنگ است. نه فقط کمبود های مادی، بلکه حتی برنامه های فرهنگی در حد یک ایستگاه صلواتی ساده. می گوید: «وقتی نوجوان بودم، برنامه های مسجد امام محمد باقر^(ع) در مناسبت ها محدود بود و در این حد که داخل مسجد، مدیحه ای خوانده شود، یک سینی چای تعارف شود و تمام.»

سفارش دختر جوانی را که قهوه دوپل می خواهد، آماده می کند و ادامه می دهد: «اوا آخر سال های نوجوانی ما مصادف شد با حضور یک روحانی به عنوان امام جماعت مسجد که حاج آقا گلکمانی صدایش می زدیم. هر جا هست خدا نگهدارش باشد. با ما سروکله می زد، ایده می داد و تشویقمان می کرد که فعالیت جانبی داشته باشیم. ایده راه اندازی ایستگاه صلواتی این طور شکل گرفت، به عنوان نخستین برنامه مسجد که خارج از چار دیواری آن، بنا بود اجرا شود.»

● تجربه دلچسب اولین ایستگاه

بار اصلی ایستگاه صلواتی، روی شانه های سید مرتضی و یکی از رفقایش به نام علی، سوار بود. بزرگ ترها هم که تکاپوی این دو نوجوان و اشتیاق دیگر بچه های محله را می دیدند، حمایتشان می کردند. دمدمه های نیمه شعبان بود و تصمیم بر اینکه کام اهالی محل با شربت صلواتی، شیرین شود. میز از داخل مسجد، آورده شد به حاشیه خیابان.



به همت اعضای پایگاه بسیج شهید محقق، دعای توسل هر هفته در منازل شهدا برگزار می شود

محفلی برای پیوند نسل دیروز و امروز

برمی گردند. همین لحظه هاست که نشان می دهد سنتی کوچک، چگونه می تواند ریشه در جان نسل جدید بدواند و نام شهدا را زنده نگه دارد.

● سبک زندگی شهدا، چراغ راه نوجوانان

محسن صباحی، بسیجی فعال و مسئول هماهنگی این برنامه ها، توضیح می دهد که هدف اصلی این برنامه ها، ایجاد یک حلقه پیوند بین نسل های مختلف پایگاه است. از رزمندگان قدیمی و خانواده های شهدا گرفته تا نوجوانان و کودکان محله.

صباحی می گوید: این جلسات علاوه بر بعد معنوی، بستری برای انتقال تجربه و مشاوره های عملی نیز فراهم کرده است. افرادی که در جبهه با شهدا هم رزم بوده اند، خاطرات و آموزه های خود را در اختیار جوانان می گذارند و این ارتباط و طرفه، باعث ایجاد انسجام و الهام بخشی در نسل جدید می شود.

او همچنین از تلاش های مستمر برای تکریم خانواده های شهدا یاد می کند و می افزاید: با وجود محدودیت های اطلاعاتی، پایگاه با کمک همسایگان و نیروهای محلی، سعی می کند هیچ خانواده ای از این برنامه محروم نماند. تصاویر و گزارش های جلسات نشان می دهد که حضور نوجوانان، انگیزه و شور مضاعفی به این برنامه داده است.

صباحی تأکید می کند که حمایت خیران و فراهم کردن امکانات، از جمله جویز کوچک و تسهیل رفت و آمد، می تواند به پربارتر شدن جلسات کمک کند و حضور نوجوانان در این حلقه معنوی را مستحکم تر سازد.

زوار درباره تغییر حال بچه ها در این برنامه معنوی می گوید: نوجوانان بعد از نشستن در خانه شهید و شنیدن حرف های ساده و پر شور خانواده، دگرگون می شوند. بعضی هایشان تا آنجا پیش رفته اند که حلقه های تربیتی مسجد را به نام یک شهید نام گذاری کرده اند؛ مثل شهید اسفندیاری که معلم بود و حالا الهام بخش جمعی از دانش آموزان مسجد شده است.

این برنامه فقط یک مراسم مذهبی نیست؛ انسجام پایگاه را هم بیشتر کرده. نوجوانان دست دوستانشان و حتی پدرانشان را گرفته اند و به برنامه حضور در منازل شهدا کشانده اند. همین حضورها، به قول زوار، «یک پکیج کامل تربیتی» ساخته است؛ دعا، خاطره، اشک و آشنایی با سبک زندگی شهدا.

سه شنبه شب ها، وقتی آخرین کلمات دعا در خانه شهدا زمزمه می شود، نوجوانان و جوانان بادی روشن تر از پیش به خانه هایشان

محمد رضا فیضی | سه شنبه شب ها خانه های شهدا در محله طلاب و محله های هم جوارش، میزبان نوجوانان و جوانان می شود؛ نسلی که با چشم و دل باز به شنیدن خاطرات و وصیت های شهدا می نشینند. برنامه دعای توسل در منازل شهدا، سنتی است که از دوران دفاع مقدس آغاز شد و حالا با همان شوق و هدف، دوباره زنده شده است. نوجوانان و جوانان پایگاه بسیج شهید محقق و جمعی از نمازگزاران مسجد آیتا... فقیه سبزواری در کنار خانواده های شهدا، نه تنها با زندگی و سبک اخلاقی شهدا آشنایی می شوند، بلکه حلقه ای معنوی و تربیتی بین نسل های قدیم و جدید شکل می گیرد. حضور در این محفل، تجربه ای است که دل ها را روشن و روح ها را تازه می کند.

● محفل انس نوجوانان با شهدا

سجاد زوار، فرمانده پایگاه بسیج شهید محقق، روایت می کند که ریشه این کار به روزهای دفاع مقدس برمی گردد. زمانی که هر هفته چندین شهید در مشهد تشییع می شد. آن موقع بچه های بسیج برای روحیه دادن به خانواده ها، دعای توسل را در منازل شهدا برگزار می کردند. حالا همان سنت دوباره زنده شده است؛ با همان نیت و همان شوق.

جلسه ها ساده و بی تکلف است. گاهی سی نفر و گاهی بیش از صد نفر دور هم جمع می شوند. بعد از دعا، پدر یا مادر، یا دوست قدیمی شهید، خاطره ای می گوید یا بخشی از وصیت نامه را می خواند. جملات کوتاه یک مادر شهید، گاهی آن قدر اثر دارد که از چند منبر هم بیشتر، دل نوجوانان را تکان می دهد.



ریحانه الهیاری، امید محله بهمن، با غلبه بر سختی ها مدال های کشوری کاراته را از آن خود کرده است

رازهای موفقیت ریحانه



● به زودی، وقت انتخاب رشته ات می شود. تصمیمت چیست؟

فهمیده ام که طراحی، ذهنم را آرام می کند. دوست دارم بروم رشته طراحی دوخت و لباس های قشنگی را طراحی کنم که تابه حال کسی نمونه اش را ندیده باشد.

● از آینده ورزشی ات چه تصویری داری؟

راستش شب ها قبل از خواب، خیلی به این قضیه فکر می کنم. یا وارد کاری نمی شوم یا اگر بشوم تا آخرش می روم. می خواهم در کاراته آن قدر پیشرفت کنم و در مسابقات بین المللی مدال بیاورم که باعث افتخار باشم برای دو مشوق اصلی ام که مادرو مربی ام هستند.

● تا اینجا چه موفقیت هایی در ورزش به دست آورده ای؟

چهار مدال استانی دارم که سه مدال آن طلاست. در دو مسابقه کشوری به میزبانی تهران، اول شدم و در مسابقه قهرمان قهرمانان که رقابت بین قهرمان های کشوری است، سوم شدم.

● ورزش کردن تو روی دوستانت تأثیر گذاشته است و کسی بوده با دیدن موفقیت های تو سمت ورزش برود؟

از بچه های مدرسه، خیلی ها آمدند باشگاه اما بعد از مدتی رها کردند. به نظرم هدف جدی نداشتند. بعضی ها هم به خاطر شرایط مالی، بی خیال آمدن به باشگاه شدند.

● تو چنین مسائلی نداشتی؟

من هم به خاطر شرایط مالی، سختی های زیادی کشیدم و مسابقات زیادی بود که نتوانستم شرکت کنم. فوت بعضی از عزیزانم باعث شد در ورزشم وقفه بیفتد. با همه این ها ادامه دادم.

کنی، وگرنه در مبارزه با حریف، از جایی که نباید، ضربه می خوری.

● چه کسانی مشوق تو

برای ادامه ورزش هستند؟

اول مادرم که اگر نبود، خیلی وقت

پیش، ورزش را رها کرده بودم. همچنین

مربی ام، شیهمان مرضیه حسینی. با ایشان،

عاشق کاراته شدم.

● اهل فضای مجازی هستی؟

نه چندان. گوشی ام هوشمند نیست. مادرم گوشی

هوشمند دارد ولی چون سرکار می رود، اینترنت

و فضای مجازی همیشه در دسترس نیست.

سعی می کنم وقتی رباترین های کاراته، کلاس

زبان و کمک در کارهای خانه، مفید بگذرانم.

فرزانه شهامت | پرفراز و نشیب؛ این توصیفی است که ریحانه الهیاری، صاحب کمربند سبز و قهرمان کشوری کاراته، از مسیر ورزشی اش بیان می کند. او از دانش آموزان ممتاز مدرسه خوش نیت در محله بهمن است که امسال توانست پایه هفتم را با معدل ۱۹.۵ به پایان ببرد. موفقیت هم زمانش در درس و ورزش، راز و رمزهایی دارد که جزئیات آن را از زبان خودش می خوانیم.

● کاراته را کی و چطور شروع کردی؟

هفت سال پیش با دخترهای یکی از دوستان خانوادگی، رفتم باشگاه. وقتی مبارزه می کردند، خیلی خوشم آمد و تصمیم گرفتم خودم هم شروع کنم.

● در این سال ها کدام ویژگی

این ورزش باعث شد آن را ادامه بدی؟

کاراته شاید خشن به نظر برسد ولی من با انجام حرکاتش، حس آرامش دارم. یک بار به دلایلی، دو ماه نتوانستم بروم باشگاه. وقتی دوباره شروع کردم به تمرین، آن قدر حس خوبی داشتم که انگار روی زمین بند نبودم. تا کسی در این شرایط نباشد نمی تواند حرفم را خوب درک کند.

● سال ها فعالیت در کاراته، چه

تأثیری در زندگی ات داشته است؟

تمرکزم را بیشتر کرده است. در این رشته باید ذهنت آزاد و فعال باشد و آن را از دغدغه ها





با پیگیری شهرآرامحله، مشکل فاضلاب کوچه‌های شهید محبی برطرف شد

پایان بوی تعفن در عباس آباد



بازخورد



برای رفع فوری این مشکل، بارئیس اداره خدمات شهری تماس گرفتیم و حسین خوشبخت دستور داد تا نکرها به صورت موقت فاضلاب را جمع کنند. هم زمان، شهردار منطقه ۳ نیز قول رسیدگی اساسی به موضوع را داد. اکنون، پس از پنج ماه، این وعده به ثمر نشست است و در بازدید میدانی که در این محدوده داشتیم اهالی از انجام کار راضی بودند.

سیدکمال الدین شاهچراغی، شهردار منطقه ۳، در گفت و گویا شهرآرامحله نحوه رفع این مشکل را توضیح داد: به دلیل نبود شبکه آگو، به طور موقت و با هماهنگی معاونت عمران، مأموریت احداث حوضچه و کانال به سازمان عمران سپرده شد. با این اقدام، آب‌های جمع شده به کانال میان‌گذر و در نهایت به کانال اصلی خیابان محبی منتقل و مشکل اهالی برطرف شد. به گفته او، این پروژه شامل احداث حدود صد متر کانال و یک حوضچه جدید بوده که با هزینه‌ای نزدیک به ۴۰۰ میلیون تومان اجرا شده است.

محمدرضا فیضی ۲۴ فروردین امسال، گزارش همسایه با جویبار متعفن، در صفحه ۲ شهرآرامحله منتشر شد؛ گزارشی که پرده از معضل بزرگ اهالی کوچه‌های منتهی به خیابان شهید محبی برمی داشت. آن زمان حجم زیادی از فاضلاب خانگی به دلیل ایجاد میان‌گذر جنوبی خیابان شهید نظام دوست، راهی برای خروج نداشت و در زمین‌های انتهایی کوچه جمع می شد. بوی نامطبوع و شرایط غیربهداشتی، زندگی شهروندان را به شدت مختل کرده بود.



معرفی اعضای شورای اجتماعی محلات فجر و پنجتن

حجت الاسلام علیرضا زاهدی

نماینده مساجد



مهدی هراتی

نماینده ساکنان و رئیس شورا



زهره نجف زاده

نماینده بانوان



محمدعلی ساقی

نماینده تشکل‌های مردمی و نایب رئیس شورا



زهره سالاری

نماینده توان‌یابان



جواد دام‌البنین

نماینده ایثارگران



مجید خوشحال

نماینده ساکنان



علیرضا ابراهیم پور

نماینده ساکنان



امیر میرزایی

نماینده ساکنان



آرین اسماعیل پور

نماینده جوانان



زهره علیپور

نماینده دوام‌ثامن



هادی سلیم پور ثانی

نماینده بسیج



مجید نصیری

نماینده کسبه



داوود نجفی

نماینده ساکنان



محله
پنجتن

محله
فجر

مجید پورقربان

نماینده ایثارگران و رئیس شورا



حجت الاسلام محمدرضا رحیم زاده

نماینده تشکل‌های مردمی



یحیی زحمتی

نماینده ساکنان و نایب رئیس



زهره خاکپور

نماینده بانوان



حسن جويا

نماینده کسبه



تکتم بیات

نماینده بهداشت



الهام محمودی

نماینده بسیج



تکتم سادات طباطبایی

نماینده مدارس



سید سعید خورشیدی

نماینده ساکنان



محمد تیرانی

نماینده علی‌البدل



مهدی ابراهیمی

نماینده معاونت پیشگیری از جرم دادگستری



مهدی پدرامی فر

نماینده ساکنان



علی اصغر جیبیان

نماینده علی‌البدل

